

حافظه فعال و نقش آن در درک متن در چارچوب مدل بدلی^۱ و هیچ^۲

سارانا قوامی لاهیج^۳، مریم دانای طوس

چکیده

روان‌شناسی زبان نشان داده است که حافظه تا چه حد به عنوان قابلیت ذهنی، پیوندی ناگسستنی با فرآیند یادگیری زبان یعنی دریافت اطلاعات، پردازش آن و در نهایت تولید زبانی برقرار کرده است. درک و تولید زبان در نظام پردازشی انسان در حافظه انجام می‌شود. نظام حافظه انسان بر مبنای مدل‌های نظری در روان‌شناسی شناختی متشکل از حافظه فعال (حافظه کوتاه مدت و توجه) و حافظه بلندمدت است. در پردازش زبانی نقش حافظه و اجزای آن انکار ناپذیر است و در این میان حافظه فعال به عنوان سیستم فعال حافظه‌ای در نظر گرفته می‌شود. به دلیل نقش مهم حافظه فعال در عملکردهای شناختی انسان که زبان بخشی از آن می‌باشد این حافظه، هسته اصلی روان‌شناسی شناختی به شمار می‌آید. گرچه مدل‌های گوناگونی از حافظه فعال شکل گرفته‌اند اما مدلی که توسط بدلی و هیچ (۱۹۷۴) مطرح شد، نظریه‌ای بسیار سودمند در مطالعات متعدد در این زمینه است که از سایر مدل‌ها کاربردی‌تر و کم‌نقص‌تر است. هدف از این پژوهش مرور نظام‌مند روندها و مؤلفه‌های مختلف حافظه فعال بر اساس مدل بدلی و هیچ در پردازش‌های زبانی و به طور ویژه درک متن است. مدل بدلی و هیچ (۱۹۷۴) و الگوی تجدید نظر شده آن (بدلی، ۲۰۰۰) یک چارچوب نظری برای بررسی سهم سیستم‌های حافظه در راهبردهای شناختی فراهم می‌کند. بر اساس این دیدگاه، حافظه فعال ذخیره‌سازی موقت اطلاعات را انجام می‌دهد و در عین حال همزمان به پردازش و دستکاری فعال اطلاعات و تکالیف پیچیده شناختی مانند خواندن، درک متن، فهمیدن، استدلال و یادگیری می‌پردازد. حافظه فعال طبق این مدل مؤلفه‌هایی دارد که هر یک وظایف خاصی را بر عهده دارند. بر اساس پژوهش‌های انجام شده بین اجزای مختلف حافظه و عملکرد خواندن و درک متن ارتباط مستقیم و معناداری وجود دارد.

واژگان کلیدی: حافظه فعال، مدل بدلی و هیچ، پردازش زبانی، درک متن

¹ Baddely

² Hitch